

تأثیرات جهانی سازی بر آفریقا

محمد رضا شکیبیا*

واقعیت این است که جهانی شدن و به عبارت بهتر جهانی سازی بدون خواست و اراده مردم آفریقا بر آنها تحمیل شده و تأثیر گذارده است.

در این مقاله بیش از جنبه‌های اقتصادی و سیاسی به جنبه‌های فرهنگی جهانی سازی پرداخته شده و آنرا نوعی تحقیر فرهنگی و یا فراموشی ارزشهای سنتی آفریقائیه‌ها قلمداد نموده است. زیرا جهانی سازی موجب شده که زبان و ارزشهای قومی قبیله‌ای، بتدریج به نفع سلیقه واحد جهانی جایگاه خود را از دست بدهد. در این زمینه همچنین به گسترش ارتباطات بویژه توسعه رسانه‌ها که در آنها بر مصرف‌گرایی، حقوق فردی و خردورزی تأکید گردیده و نوعی همگن سازی جهانی را پدید می‌آورد اشاره شده است. گرچه تلاش شده که جنبه‌های مثبت جهانی‌سازی نیز از قلم نیافتد.

جهانی سازی در آفریقا پدیده‌ای خارجی بوده که از سوی غرب تحمیل شده و گریزی از آن نمی‌باشد. زیرا ساختار اقتصادی و اجتماعی قاره بدانگونه رشد نکرده که بتواند با تحولات نوین جهانی هماهنگ شده و از آنان بهره‌مند گردد. گرچه باید اذعان نمود که در برخی زمینه‌ها مانند خردورزی، مردم‌سالاری، حقوق بشر و بویژه توجه به حقوق زنان و دمکراسی، این پدیده تأثیر مطلوبی داشته و در ارتقاء سطح فکری مردم تا حدودی مؤثر واقع گردیده است. اما اگر به مفهوم قلمروزدایی جهانی شدن، توجه شود باید گفت که غربیه‌ها از این ویژگی سود فراوانی برده‌اند. زیرا آنان به مدد پشتیبانی دولتی، سرمایه و تخصص توانسته‌اند در اقصی نقاط قاره حضور یافته و از امکانات و فرصتها بهره‌مند شوند. اما این

* . کارشناس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی

ویژگی برای آفریقائیه‌ها میسر نبوده و مهاجرت آنان به کشورهای غربی تحت شرایط و ضوابط بسیار سخت صورت پذیرفته و تنها خواص آنان، از برخی امکانات و فرصت‌ها بهره‌مند می‌شوند. بهمین دلیل سهم آفریقا از پدیده جهانی سازی بسیار ناچیز است. از این رو شاید جهانی سازی نیز نتواند مشکلات مردم آفریقا را تا زمانی که آنها نخواهند از امکانات قاره و استعداد مردمی بهره‌برداری کنند، بر طرف نماید.

مقدمه

جهان ما بدلیل گسترش ارتباطات هر روزه کوچکتر شده و موافقتنامه‌های منطقه‌ای، فرامنطقه‌ای و بین‌المللی بتدریج مرزها را در نوردیده و مرزهای وسیع‌تری را پیش‌روی ملت‌ها و جهانیان می‌گشاید. این امر اگرچه چالش‌های تازه‌ای را در روابط ملت‌ها بوجود می‌آورد مع‌هذا فرصت‌های تازه و امکاناتی را نیز به‌مراه دارد که شیوه استفاده از آنها به چگونگی توانائی و آمادگی ملت‌ها و افراد بستگی دارد. از آنجا که فرایند جهانی سازی در آفریقا متفاوت از دیگر مناطق جهان و حتی به نحوی تحمیلی بوده است، بهمین دلیل نظرات گوناگون و متضادی در آن خصوص وجود دارد. بدون شک، شناخت پدیده جهانی‌سازی و پذیرش آن مقوله از سوی دولت‌ها و مردم به مجموعه‌ای از عوامل اقتصادی، صنعتی، سیاسی اجتماعی و فنی بستگی دارد که در شرایط کنونی، آفریقا فاقد آن است. اما اگر دولتمردان آفریقائی اهتمام لازم را نسبت به افزایش سطح آموزش مردم، استفاده بهینه از ذخایر ملی و مواهب طبیعی، بهبود امکانات و فن آوری موجود در جامعه خود داشته باشند، این امر در ارتقای شرایط زندگی مردم نقش تعیین کننده خواهد داشت.

«فیلیپ هوگون» روند مشارکت آفریقا در زمینه جهانی سازی را نامناسب دانسته و معتقد است که با این روند آن قاره بیشتر به حاشیه کشانده شده و از حقوق خود محروم میگردد. البته جهانی شدن در بخش‌هایی از جهان دارای اثرات مفید و سازنده ای بوده ولی در آفریقا بدلیل فراهم نبودن زیر ساخت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مناسب این

پدیده چندان موثر واقع نگردیده و حتی موجب فقر و بیکاری نیز شده است. روند خصوصی سازی در آفریقا که از دهه نود میلادی آغاز شده به کاهش مشاغل و خدمات دولتی در بسیاری از کشورهای آفریقائی از جمله سوازیلند، بوتسوانا و موزامبیک، زیمبابوه و آنگولا منجر شده است. همچنین کشورهای آفریقائی با پایبندی به برنامه تعدیل ساختار اقتصادی (SAP) و کاهش هزینه‌های دولتی در امور خدماتی و رفاهی، مردم را از دسترسی به امکانات آموزشی و بهداشتی به میزان زیادی محروم کردند. به گونه‌ای که اکنون آموزش و بهداشت به دلیل خصوصی شدن بسیاری از موسسات وابسته، دیگر از صورت یک حق عمومی خارج شده و امتیازی است که در اختیار اقشار متوسط و ثروتمند قرار می‌گیرد.

در خصوص جهانی سازی اگرچه جهان و بویژه کشورهای غربی پیوسته از مواهب آن بهره مند می‌شوند، اما سهم کشورهای فقیر و بویژه آفریقا از این پدیده بسیار اندک می‌باشد و همین موضوع است که موجبات نگرانی مصلحین جهانی و اندیشمندان را پدید آورده است.^۱ نشریه «بیزنس دی» از آفریقای جنوبی در مقاله‌ای تحت عنوان آیا جهانی شدن می‌تواند نتایج وخیم در بر داشته باشد به بررسی اثرات جهانی شدن در آفریقا در سال ۲۰۰۳ و ما قبل آن پرداخته و سیاستهای نادرست تحمیلی از سوی کشورهای بزرگ را مورد انتقاد قرار داده است.^۲

آفریقا در چرخه تحولات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جهانی اگر چه به جایگاه مناسب و شایسته خود دست نیافته و بدان خطه احترام لازم گذارده نشده، اما واقعیت این است که در تمامی تحولات مهم جهانی، آفریقائیه‌ها نقش موثر و تعیین کننده

^۱ در مقاله ای از سوی سازمان ملل تحت عنوان آیا قرن ۲۱ برای آفریقا وجود دارد، به همین موضوع اشاره شده و مشکلات آفریقا به تفصیل مورد بحث قرار گرفته شده است.

^۲: *Business day (Johannesburg) January 5/2004* by Joseph Stiglitz

ایفا نموده که ثمره آن نصیب دیگران شده است. «والستر رودنی» در کتاب خود اروپا موجب عقب افتادگی آفریقا شد، بخوبی مظلالم و ستم اروپائی ها و بهره آنها از آفریقائیها را به تصویر می کشد. آنچه از خلال سطور آن کتاب میتوان آموخت همانا تاثیر آفریقائیها در رشد و توسعه غرب بوده است.^۱ پرفسور مزروعی نیز در مقاله‌ای تحت عنوان (از کشتی بردگان تا کشتی فضائی)^۲ به شرح کمکهای آفریقا ئیها به غرب پرداخته است. سه باور ایشان اعانه و کمک آفریقا ئیها به انقلاب صنعتی و رشد فن آوری غرب بسیار بیشتر از کمک غرب به تغییرات صنعتی در آفریقا بوده است. در همین رابطه نیز اخیراً «موسوینی» رئیس جمهور اوگاندا گفته است غرب بیهوده گمان میکند که به کشورهای آفریقا ئی کمک مالی و صنعتی ارائه میدهد. در حالیکه عملاً این کشورهای آفریقائی هستند که به اقتصاد غرب کمک می نمایند.^۳

باورهای آفریقائی و جهانی سازی

مردم آفریقا بطور سنتی علاقه به حفظ تعلقات قبیله‌ای - سنتی خود داشته واز گسترش روابط خود بیم دارند. مردم کاکامگا در غرب کنیا ضرب المثلی دارند که میگوید: (شما نمیتوانید از داخل خانه همسایه خبری داشته باشی).^۴ آنها با این مثال سعی میکنند میل به کناره گیری خود از تحولات و حفظ حریم خویشان را بیان دارند. این تلقی حفظ حریم شخصی و بسنده کردن به دنیای کوچک خود، ویژه مردم کاکامگا نبوده و خصلت تمام مردم آفریقا میباشد. زیرا آنها عموماً پاکی و رستگاری را در انزوا، پیروی از سنتهای

^۱: Europe under developed Africa, Walter Rodney

^۲: From slaveship to space ship, mazrui

^۳: . (آفریقا آن لاین ۱۴ ژوئن ۲۰۰۳)

^۴: <http://www.wcc-coe.org/wcc/what/jpc/effglob.html>

قبیله‌ای و پایبندی به تعهدات قبیله‌ای خانوادگی می‌دانند. ولی دهکده جهانی که «مک نوهان» از آن خبر داده، این ویژگی را پاس نداشته و خواهان برقراری هرچه بیشتر تماس بین گروهها و افراد و از بین بردن وجوه تمایز آنان به منظور همگن سازی فرهنگها است. فرهنگ و سنتهای آفریقاییها به گونه‌ای شکل گرفته است که در آن خانواده و قبیله بیشترین ارزش و جایگاه را دارا بوده و افراد باید تمامی تلاش خود را برای اعتلای قبیله معطوف دارند. در زندگی قبیله‌ای، افراد دارای جایگاه و موقعیت مشخص بوده و حق و امتیاز افراد از قبل مشخص و مورد تأیید همگان است. اما استعمار و سپس شهرنشینی و اکنون جهانی سازی، آن تلقی را تغییر داده و بر فرهنگ و رفتار آفریقاییها تأثیر فراوان گذارده است. «چینوا آچب» در کتاب خود (همه چیز در حال تلاشی و نابودی است) به همین موضوع اشاره کرده و از تأثیر ویرانگر استعمار و شهرنشینی بر جوامع آفریقایی مویه میکند.

رشد و نفوذ جهانی سازی در آفریقا

واقعیت این است که اکنون جهانی سازی به رغم تمایل و توانائی مردم آفریقا به وقوع پیوسته و تأثیر خود را بر جای گذارده است. «کوفی انان» بدرستی در پیام خود در سال ۲۰۰۲ اظهار داشت که (بیماری ایدز، تخریب محیط زیست و قاچاق مواد مخدر حدود مرزی ندارد) و این پدیده‌ها نوعی جهانی سازی منفی را بوجود آورده است. جهانی سازی اگر چه پدیده‌ای نسبتاً جدید است اما فرایندی پرشتاب و پر دامنه داشته که هیچ کشوری از عواقب آن در امان نیست مگر اینکه امکانات لازم را برای استفاده از آن فرصت فراهم کرده باشد. آن مقوله علاوه بر اینکه تأثیر اقتصادی فراوانی بر جهان سوم و بویژه کشورهای آفریقایی خواهد داشت، موجبات پدید آمدن نوعی یکپارچگی فرهنگی را نیز

^۱ پیام کوفی انان بمناسبت سمینار جهانی سازی در دی عرب نیوز ۲۹ اکتبر ۲۰۰۲

فراهم آورد. در واقع شاید بتوان گفت بدلیل بی‌توجهی کشورهای آفریقائی به اهمیت و دامنه جهانی سازی و نداشتن آمادگی برای رویارویی مثبت با آن پدیده، جهانی سازی برای برخی کشورهای آفریقائی نوعی استثمار و استعمار جدید خواهد بود که با همان اهداف استعماری پیشین (به تعبیر کینگز) اما شکلی نوین، صورت پذیرفته و امکانات اقتصادی و هویت اجتماعی، فرهنگی و ملی آنها را مورد تهدید قرار خواهد داد.

در تصاویری که خبر نگاران از آفریقا مخابره میکنند در کنار تصاویری که حکایت از فقر و نابسامانی زندگی آفریقائیهها دارد، میتوان تصاویر تبلیغات نوشابه‌ها، سیگارها و اجناسی را دید که هزاران کیلومتر دورتر ساخته شده و در این قاره با مقبولیت روبرو شده است. انانی که به کشورهای آفریقائی مسافرت کرده اند همواره از تابلوهای تبلیغاتی یاد می‌آورند که در کنار خیابانها کار گذاشته شده و اجناسی را تبلیغ میکنند که چندان هماهنگی با شیوه و امکانات زندگی آفریقائیهها ندارد. در واقع با نظری به آن تابلوها میتوان دریافت که بازار کشورهای آفریقائی توسط اقتصاد جهانی مورد تهاجم قرار گرفته و تاحدودی نیز پذیرای آن شده است.

البته شماری از کشورهای آفریقایی با ارزیابی صحیح از شرایط بین‌المللی و در جهت هماهنگی با روند جهانی شدن، اصلاحاتی را در زمینه تطبیق ساختار اقتصادی خود با اقتصاد جهانی آغاز کرده‌اند بدان امید که در طولانی مدت موثر واقع گردد.^۱ تشکیل سازمان «سادک» در شرق و جنوب آفریقا و «اکواس» در غرب و اتحادیه آفریقا گامی مناسب برای تحقق این هدف بشمار می‌رود.

در واقع اگر در زمینه جهانی شدن تصمیم‌های مناسبی از سوی دولتمردان آفریقائی صورت پذیرد، چه بسا آن پدیده بویژه در زمینه اقتصادی و سیاسی برای آنها مفید واقع گردد. زیرا وسعت و جمعیت زیاد منطقه آفریقا که تنوع سبک کالاهای صادراتی و

^۱. <http://www.iccim.org/persian/foreign/africa/nonOil/4.htm>

وارداتی آن را موجب گشته، زمینه های بسیار مناسبی را برای افزایش رقابت دیگر کشورها در جهت نفوذ در بازارهای منطقه و افزایش رونق تجارت خارجی فراهم خواهد ساخت. اینکه «امکاپا» رئیس جمهور تانزانیا در بازگشت از سوئیس از کشورهای آفریقائی زیر خط صحرا خواسته بود تا با یکدیگر متحد شده و سهم بیشتری را از فرایند جهانی شدن درخواست کنند، شاید به دلیل درک این موضوع بوده است.^۱ وی که عضویت کمیسیون موسوم به نظارت بر (ابعاد اجتماعی جهانی شدن) را بر عهده دارد اعلام کرده است که وضعیت کنونی جهان نا عادلانه بوده و ضروری است که نمایندگانی از کشورهای غنی و فقیر گرد هم آمده و در خصوص چگونگی ارتباط بین کشورها و بهره گیری از امکانات جهانی شدن در اقتصاد بحث و تبادل نظر نمایند.^۲ منطقه گرایی و گسترش همکاری در قالب سازمانهای منطقه‌ای، و نیز خصوصی سازی، هموار ساختن زمینه های جذب سرمایه گذاری خارجی و ایجاد مناطق آزاد تجاری با کمک و مشورت نهادهای بین‌المللی از جمله این اصلاحات می‌باشد که امید توسعه اقتصادی و افزایش تجارت خارجی را در بین کشورهای منصفه تقویت نموده است.

جهانی سازی یا جهانی شدن

جهانی سازی را فرایندی قلمداد می‌کنند که به موجب آن جریان آزاد سرمایه، خدمات، فن آوری، کالا و اندیشه را در سراسر دنیا فراهم می‌آورد. گروهی معتقدند که جهانی شدن به نفع کشورهای جهان بوده و بدینوسیله رفاه و سعادت بیشتری نصیب همگان می‌گردد. در صورتیکه به گمان شماری دیگر، این فرایند بسود کشورهای توسعه یافته بوده و برای جهان سوم متضمن استثمار اقتصادی بیشتر می‌باشد. از آنجا که جهانی

^۱. allafrika.com 12/8/2003

^۲. Gaurdian news paper, 2/3/2002, p 1

سازی در جهت یکپارچه کردن بازارهای جهانی گام بر میدارد، از اینرو از نظر اقتصادی این امر به ضرر اقتصاد کشورهای جهان سوم به ویژه آفریقا میباشد. چه آنها توان رقابت با فن آوری پیشرفته غرب را نداشته و کالای آنها از نظر کیفیت و کمیت در درجه نازل تری قرار خواهد داشت.

«دیوید هلد» در کتاب «دمکراسی و نظم جهانی»، با نگاهی آسیب شناختی به جهانی شدن، این پدیده را حرکت به سمت نوعی دمکراسی جهانشمهری تعبیر میکند که در عین حال کثرت فرهنگی و اقتصادی را نیز در خود خواهد داشت.^۱ معهذا باید گفت که علیرغم اهمیت فراوان اقتصاد و تجارت در امر جهانی سازی، این پدیده فرایندی است که ارتباطات انسانی را در همه ابعاد آن گسترش داده و بدین صورت، هم می‌تواند شرایط بهتر و مناسبتری را برای مردم آفریقا فراهم آورده و هم موجبات استثمار بیشتر مردم فقیر جهان را بوجود آورد.

واژه جهانی سازی اگرچه نسبتاً جدید است،^۲ اما اندیشه جهانی شدن به زمانهای بسیار دور باز می‌گردد. در ادبیات شفاهی آفریقائی برای جادوگرها دو ویژگی ذکر شده که نشانگر تمایل آنها به جهانی شدن است. نخست اینکه به راحتی می‌توانند از نقطه‌ای به نقطه دیگر رفته و دوم به زمانهای گذشته و حال سفر کرده و با ارواح و نیروهای نادیده تماس برقرار کرده و در رفع مشکلات بکوشند. ایرانیانی که بیست قرن پیش به سواحل شرق آفریقا مهاجرت کرده و پیوسته بر ارتباط خود با آن خطه افزودند، نوعی در جهت تحقق اندیشه جهانی شدن گام بر می‌داشتند. پیامبر اکرم نیز که در هنگام حفر خندق و جهیدن آتش از سنگ، نوید فتح دو امپراطوری بزرگ ایران و روم را به مسلمانان داد در اندیشه جهانی شدن دین خود بود. امروز نیز که در اقصی نقاط آفریقا، که

^۱: <http://www.iransocialforum.org/public/iran/jahan05.pdf>

^۲: <http://www.iranwomen.org/MAG/shora/10/6.htm>

حاشیه‌ای‌ترین منطقه جهانی از نظر امکانات، فن آوری و معیشتی محسوب می‌گردد، علما و مبشرین به فعالیت دینی خود مشغولند، همان تفکر جهانی سازی را در بعد دینی در سر پروراند و در تحقق آن تلاش می‌کنند.

آفریقا و تغییرات جهانی

جهانی سازی نتیجه نظام اجتماعی نوینی است که به دلیل پیشرفتهای اقتصادی، تجاری، ارتباطاتی و اطلاعاتی میسر شده و به دنبال پدید آوردن روابط جهانی در همه زمینه‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی می‌باشد. برخی نیز می‌گویند که جهانی شدن، معرف فرهنگ جهانی واحدی است مبتنی بر مصرف‌گرایی، رسانه‌های گروهی، آمریکائی‌گری و زبان انگلیسی.^۱ بدون شک اینگونه همگن سازی به دلیل اینکه مورد تأیید و پشتیبانی قدرتهای بزرگ است می‌تواند به دنبال خود نوعی چپاول و تبعیض نژادی جهانی را آنگونه که «برچلو و کاستلو» گفته‌اند به همراه آورده و دامی تازه جهت استثمار و استعمار کشورهای ضعیف باشد.^۲ «محمد طاطاری» جهانی سازی را فرآیندی حساب شده می‌داند که قدرتهای سرمایه‌داری برای نیل به اهداف خود و اعمال یک مدل گسترده فکری در ابعاد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی به پیش می‌برند که با منافع غربی همخوانی و مطابقت دارد. جهانی سازی آنگونه که در معنای دیدگاه لیبرالی نوین درک میشود صرفاً یک پدیده اقتصادی نیست. بلکه آن مقوله، پدیده‌ای چند جانبه با ابعاد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است ولو اینکه جنبه اقتصادی آن چشمگیرتر و مهمتر است.^۳

^۱ : نگاهی روشکافانه بر پدیده جهان شدن ص ۱۸

^۲ : نگاهی روشکافانه بر پدیده جهان شدن ص ۲۱

^۳: <http://www.payam.co.ir/journal/farsi/Majaleh/26/16-26.htm>

اینکه جهانی شدن برآستی موجب تضعیف یا تقویت امکانات اقتصادی، رفاهی، امنیتی و گسترش عدالت و دموکراسی میشود، موضوعی است که هریک پیروان و مبلغینی داشتند که برای آراء و نظریات خود شواهدی را عرضه می‌کنند. اما در خصوص آفریقا میتوان گفت که جهانی شدن دارای منافع و مضرات ویژه‌ای است. آفریقا بیش از یک قرن است که بدلیل سطره استعمار و افراد غیر کارآمد و دلسوز با مشکل مدیریتی روبرو شده و از این بلیه صدمه فراوان دیده است. «چینوا آچب» نویسنده نیجریه‌ای بدرستی به همین معضل مدیریت اشاره کرده و می‌نویسد، مشکل نیجریه بطور صریح و ساده مشکل مدیریت است. والا شخصیت نیجریه‌ای، زمین، هوا و دیگر امکانات موجود هیچ نقصی ندارند. مشکل بزرگ نیجریه عدم تمایل دولتمردان و یا ناتوانی آنها در عمل به تعهدات و مسئولیتشان می‌باشد. ما قرن بیستم را از دست داده‌ایم، آیا ما باید خدای نکرده شاهد آن باشیم که فرزندان ما قرن بیست و یکم را نیز از دست خواهند داد. «کوفی انان» نیز در سخنرانی خود بمناسبت دومین سال تشکیل اتحادیه آفریقا اظهار داشت که رهبران آفریقائی در خور مسئولیت خود کاری نکرده‌اند.^۱

اوضاع آفریقا در قرن ۲۱

در گزارشی که کمیسیون اقتصادی سازمان ملل متحد تحت عنوان آیا برای آفریقا قرن بیست و یکمی وجود دارد آمده است، هنوز فقر در آفریقا بیداد می‌کند و از هر پنج آفریقائی، دو نفر در زیر خط فقر و با ماهی کمتر از بیست دلار زندگی می‌کنند. در آفریقا همچنین بیشترین نابرابری در توزیع ثروت مشاهده میشود. در آنجا نیمی از کودکان از ثبت نام در مدارس محروم هستند. در آفریقا علیرغم تلاش برای بهبود شرایط

۱. (آفریقا آنلاین ۱۲ ژوئیه ۲۰۰۳)

بهداشتی، مرگ و میر ناشی از بیماری مالاریا افزایش یافته است. در حالیکه در دیگر قاره‌های جهان آمار مبتلایان به ایدز ثابت مانده در آفریقا شمار بیماران به آن بیماری رو به فزونی بوده و به بیست و هشت میلیون نفر رسیده که سالانه سه میلیون نفر نیز بر تعداد مبتلایان افزوده میشود.^۱

«سونیل امنیت» در مقاله‌ای تحت عنوان مردم سالاری، جهانی شدن و سلامتی: یک معضل آفریقائی به نقش منفی بیماری‌ها در توسعه کشور و و دیگر فعالیتها اشاره کرده و معتقد است اگر آفریقا شرایط مناسب بهداشتی را برای مردم فراهم نیاورد، بیش از گذشته از چرخه تمدن و توسعه باز خواهد ماند.

مشکلات آفریقا دارای دو وجهه داخلی و خارجی است. استعمار بدون شک تاثیر بسیاری بر پیچیده کردن شرایط مردم قاره داشته است. گرچه نباید نقش عاملان داخلی استعمار را نیز نادیده گرفت. مداخلات گروههای ذینفوذ اقتصادی و بیگانگان در جامعه‌ی آفریقایی باعث نابودی حقوق شهروندان بطور گسترده و بهره مندی گروهی اندک شده است. در واقع بیت‌المال نه بر اساس قوانین دولتی، بلکه بر پایه قوانین شرکتیهای خصوصی و خواست و تمایل اشخاص ذی نفوذ و دولتمردان اداره می‌شوند. بیشتر روسای جمهور آفریقایی، خود را رئیس جمهور و تضمین کننده منافع عمومی محسوب نمی‌دارند، بلکه چون مدیر عامل یک موسسه اجرایی در مورد استفاده از اموال عمومی عمل میکنند. اخیراً «شبکه ال آفریقا» نوشت که «موئی» در بدترین شرایط اقتصادی کشور کنیا دستور انتقال ۷۶ میلیون دلار از بانک مرکزی را به یک شرکت خصوصی صادر کرد.^۲ یسا اینکه «چیزانو» رئیس جمهور موزامبیک قرار است دو میلیون دلار خرج تهیه یک خانه شخصی

^۱. <http://allafrica.com/stories/printable/200002180004.html>

^۲. www.vanguardngr.com/articles/2002/world/w224012004.html - 16k

نماید و حال آنکه شرایط اقتصادی آن کشور بسیار وخیم است. مدیریت امور مربوط به نفت، طلا و یا الماس، فروش فرآورده‌های کشاورزی و یا منابع طبیعی (معادن، چوب) توسط دولتزدان و به نفع گروهی ویژه و نه تمامی شهروندان صورت می‌گیرد. از اینرو بی جهت نیست که شرایط اقتصادی و رفاهی مردم آفریقا چندان تغییری نکرده و مردم آن خطه از قحطی، خشکسالی، نا امنی، بیکاری و فقر رهایی نمی‌یابند.^۱

حتی تجربه چهاردهه پس از استقلال نیز نشان داده که شرایط مردم از نظر آموزشی، بهداشتی، اشتغال زائی، صنعتی شدن و رعایت حقوق افراد چندان تغییری نکرده و اگر همین دولتمردان با اختیارات کنونی متولی امور باشند بر جبین کشتی آفریقائی نمیتوان نور رستگاری را مشاهده کرد. در واقع به دلیل ناتوانی و یا عدم تمایل دولتها و دولتمردان آفریقائی در زمینه فراهم آوردن امکانات رشد اقتصادی، اجتماعی و آموزشی برای مردم، امروزه آفریقا به گفته «کوفی انان» در حاشیه تمدن جهانی قرار داشته و از بسیاری از مواهب محروم است. بروز ناآرامی‌های اجتماعی، جنگهای قبیله‌ای و نزاعهای کشورهای آفریقائی با یکدیگر نیز، به وخامت شرایط مردم آفریقا و محرومیت بیشتر آنها انجامیده است.

آنچه شیراک در کنفرانس سران گروه هشت، با عنوان توطئه سکوت در خصوص آفریقا نامیده به نظر میرسد که به حقیقت پیوسته باشد. (سخنرانی رئیس جمهور فرانسه در کنفرانس سران گروه هشت در فرانسه) زیرا در یک دهه گذشته بیش از پنج میلیون نفر در منازعات قبیله ای و جنگها در آفریقا جان سپرده و شمار بیشتری آواره شده ولی سازمانهای بین‌المللی و کشورهای به اصطلاح پیشرفته گامی برای بهبود شرایط آفریقا و کاهش منازعات بر نداشته‌اند. اما اگر جهانی سازی به معنی همکاری بین‌المللی بر اساس دموکراسی و اقتدار ملی باشد چه بسا شرایط مردم و کشورهای آفریقائی بهبود یافته و

^۱ <http://www.worldpress.org/Africa/1499.cfm> :

برخی از نامالایمات کنونی و ستمگری‌های اجتماعی خاتمه یابد. اکنون بسیاری از روشنفکران و مصلحان آفریقائی در دانشگاه‌های قاره و ممالک دیگر در غالب سازمانهای غیر دولتی برای تحقق همین امر تلاش میکنند. اینکه «بلر» آفریقا را زخمی بر وجدان بشریت مینامد، ناشی از همان مظالم و ستمی است که از سوی غرب و یا با حمایت غرب بر مردم آفریقا رفته است. «امی چوا» استاد دانشگاه «بیبل» کتابی درخصوص جهانی سازی با نام «جهان در آتش» نگاشته و در آن به تبعات منفی جهانی سازی اشاره کرده است. وی معتقد است که فرایند جهانی سازی بنفع کشورهای در حال توسعه نبوده و موجب عقب افتادگی بیشتر خواهد شد.

آنانی که جهانی سازی را مضر به حال آفریقا میدانند، معتقدند که آفریقا دارای زیر ساختهای مناسب برای حضور در این مسابقه نبوده و نمیتواند از منافع احتمالی آن بهره‌مند گردد. از اینرو جهانی سازی برای آفریقا می‌تواند خود موجب مشکلات گوناگون گردد. زیرا آن امر علاوه بر تاثیر منفی بر اقتصاد و تجارت آفریقائی، حتی بر سیاست و فرهنگ آفریقا نیز تاثیر گذارده و نتایج منفی خواهد داشت. حتی جنگها و منازعات قبیله‌ای در کنگو، لیبیا، سیرالئون، ساحل عاج و سودان نیز ناشی از منازعات بین قدرتهای بزرگ و شرکتهای چند ملیتی است که برای آفریقا جز انهدام، بیماری، مرگ و آوارگی‌نابری نداشته است. «وول سوینکا» نویسنده نیجریه‌ای برنده جایزه نوبل ادبیات، در کتاب خود بنام زخم باز قاره آفریقا (۱۹۹۶) به شرایط نامساعد نیجریه در مقابله با فرهنگ ستیزه جو و سلطه گر غرب اشاره میکند و ضمن بیان زیانهای ناشی از غرب گرایی، سعی میکند مردم را نسبت به افزایش آگاهی خود از ملیت، هویت، فرهنگ و آموزش تشویق نماید.

مجموعه شاخص‌های اقتصاد کلان، اجتماعی و بهداشتی، از سال‌های ۱۹۸۰ تا کنون رو ند نزولی داشته‌اند، طبقه متوسط گر چه رشد داشته اما زمینه تنش‌های عمیق اجتماعی از بین نرفته است. آفریقا در مجموع فقیرتر شده است؛ مجموعه تولید ناخالص ملی دچار افت شده است؛ رشدی که توسط کشورهای آفریقائی و حامیان مالی بین‌المللی

وعده داده شده بود، عملی نشده؛ حتی میزان آن از متوسط ۳/۵٪ در سال ۱۹۷۵ به ۲٪ در سال ۲۰۰۰ رسیده است. موسسه متعلق به سازمان ملل برای توسعه (UNDP) از یک افت بی‌سابقه در شاخص‌های توسعه انسانی سخن می‌گوید.^۱

واقعیت این است که جهانی سازی در آفریقا نیز محقق شده و تمامی ارکان زندگی آفریقا ئیها را به چالش کشیده است. بدون آنکه دولتمردان، نخبگان و یا مردم برای مقابله با آن تمهیداتی اندیشیده باشند. حتی در ممالک راقیه نیز که جهانی سازی و آزاد سازی تجاری مطرح است هنگامی که آن امر را مضر بحال برخی ا فشار تشخیص دهند، برای حفظ منافع آنها از قوانین محدود کننده تجارت جهانی استفاده می‌کنند. چنانکه یارانه آمریکا و اروپا به برخی بخشهای کشاورزی و دامداری به همین دلیل صورت گرفته است. در حالیکه در آفریقا دولتهای بزرگ به کمک بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول با هر نوع محدودیتی برای حمایت از تولیدات داخلی مخالفت می‌نمایند.

جهانی سازی دارای ابعاد گوناگونی است که بر رسی پیامد های هریک، بویژه در آفریقا ضروری است. چه کشورهای توسعه یافته به دلیل زیر ساختهای اقتصادی مناسب سهم بیشتری را از تجارت جهانی از آن خود ساخته و اکنون در صدد استفاده بیشتر از بازارهای کشورهای کم توسعه یافته آفریقا میباشند. از اینرو با توجه به اینکه بسیاری از مشکلات کشورهای جهان سوم و به ویژه مردم آفریقا از فقر ناشی میگردد این امر موجبات نگرانی مردم جهان سوم و دانشمندان مسئول و انساندوست را فراهم کرده است. زیرا در مقایسه با امکانات متعدد و شرایط مناسب کشورهای توسعه یافته، آفریقا فاقد تواناییهای لازم برای شرکت در مسابقه جهانی شدن و بهره بردن از محسنات و کامیابیهای ناشی از آن پدیده است.

^۱. Harare Rated the Worst City. Zimbabwe Standard (Harare) February 16, 2004

تأثیر بدهی های خارجی در آفریقا

یکی از مشکلات کنونی کشورهای جهان سوم بویژه قاره آفریقا، بدهی خارجی کشورهای این منطقه است که رقم آن به بیش از ۳ میلیارد دلاری می رسد. در اکثر نهادهای صندوق بین المللی پول و بانک جهانی در سیاتل، ژنو و... مخالفان جهانی سازی با برپایی تظاهرات خیابانی خواستار بخشودگی بدهی کشورهای آفریقایی شدند. البته برخی کشورها مانند آمریکا، ژاپن، فرانسه آلمان و انگلیس بخش اندکی از بدهی های آفریقا را بخشیده ولی در این زمینه چندان جدی نبوده اند. یونیسف و برنامه عمرانی سازمان ملل "UNDP" آمارهایی در مورد کشورهای آفریقایی داده اند که بسیار تکان دهنده است. به گفته سازمانهای بین المللی کودکان و زنان بیشترین صدمه را از این روند دیده اند. متأسفانه دولتمردان آفریقایی در خور وظایف خود کاری انجام نداده و این امر علاوه بر آنکه مشکلات مردم را افزایش داده، موجبات بی احترامی به آنها از سوی سران کشورهای غربی را فراهم آورده است. در این خصوص به ملاقات اخیر رئیس جمهور تونس با رئیس جمهور آمریکا میتوان اشاره نمود.

در واقع بیشترین آسیب این بدهیها متوجه کودکان است. اکثر کشورهای این قاره بیشتر بودجه خود را به جای مصرف در بخش آموزش و بهداشت صرف پرداخت بدهیهای خود می کنند. یک نوزاد که در موریتانی متولد می شود، حدود ۱۰۰۰ دلار بدهکار است و در جمهوری دموکراتیک کنگو این رقم ۱۸۷۲ دلار است. اقتصاد آفریقا به خاطر حجم بالای بدهیهای کشورهای این منطقه با رکود مواجه شده است. طبق تحقیقات انجام شده از سوی یونیسف و برنامه عمران سازمان ملل از ۲۷ کشور آفریقایی

¹. US wants Tunisia to Reform.

تنها ۹ کشور قادرند بخشی از بودجه خود را صرف خدمات اجتماعی کنند. در مقایسه، به طور متوسط تنها حدود ۱۳ درصد از بودجه ملی این کشورها صرف خدمات اجتماعی می‌شود. همچنین برای کمک به کشورهای بدهکار طرح کمک به ۴۱ کشور بدهکار جهان که "۳۳ کشور آن در آفریقا" می‌باشند تهیه شده که هنوز نتیجه مثبتی برای این کشورها نداشته است.^۱

در سوم تا پنجم ماه مارس دو سمینار با کمک سازمان برنامه توسعه سازمان ملل متحد، دولت سنگال، سازمان وحدت آفریقا و بانک توسعه آفریقائی تشکیل شد که در آن شماری از مسئولین و روشنفکران قاره و کارشناسان جهانی، به بررسی ابعاد جهانی سازی و اینکه چگونه آفریقا پذیرای آن پدیده خواهد بود، پرداختند. یکی از مسائل مهمی که در آن سمینار مطرح شد این بود که روابط تجاری جهانی، تعهد، مسئولیت و قوانینی را می‌طلبد که پذیرش آنها برای کشورهای آفریقائی چندان مناسب و مفید فایده نمی‌باشد. از جمله اینکه دولت‌ها از حمایت مالی خود از صنایع و کشاورزی دست بر داشته تا حضور در بازار رقابت جهانی، شرکتها و صنایع آفریقائی را آبدیده و توانمند سازد.

این موضوع اگر چه سخن حقی است اما کسانی که آنرا مطرح میکنند، معلوم نیست چه میزان نسبت به آفریقا و شرایط آن آگاهی دارند. از سوی دیگر کشورهای غربی خود سالانه بیش از سیصد میلیارد دلار برای حمایت از کشاورزی و دامداری سوبسید میدهند. از اینرو در زمینه حضور در بازار جهانی تنها نباید به قطع کمکهای دولتی بسنده نمود. در آنجا همچنین در مورد استراتژی کنونی توسعه در آفریقا و چگونگی تطابق آن با جهانی سازی بحث و تبادل نظر صورت گرفته و مطالب متعددی مطرح گردید. در پایان سمینار نیز این موضوع مطرح شد که به دلیل نداشتن یک استراتژی مناسب

^۱ <http://www.imi-ir.org/tadbir/tadbir-105/internet-105/1.asp>

اقتصادی، در شرایط کنونی، آفریقائیه‌ها توان بهره‌مند شدن از اقتصاد هزاره سوم را ندارند و از این رهگذر زیان فراوانی خواهند دید.

در زمینه از بین رفتن نژادها و قبایل نیز جهانی سازی عاملی منفی می‌باشد. کوفی عنان در پیام خود در روز نهم اوت به مناسبت روز جهانی حمایت از فرهنگها و نژادها به همین موضوع اشاره کرده و ادغام آن فرهنگ و نژادها را در نژادهای مسلط خطری بزرگ برای جامعه بشری قلمداد کرده است.^۱ اکنون بر اثر شهر نشینی و سلطه اقتصادی و فرهنگی غرب، بتدریج برخی قبایل هویت خود را از دست داده و زبان آنها به فراموشی سپرده شده است. سازمانهای بین‌المللی و فرهنگی از جمله یونسکو و دبیر کل سازمان ملل متحد نسبت به از بین رفتن هویت و زبان اقلیتها بارها هشدار داده‌اند. معه‌ذا بنظر می‌رسد که اقتضای جهانی سازی، از بین بردن زبانها و فرهنگ اقلیتها بویژه در آفریقا می‌باشد.^۲

البته تأثیرات مثبت جهانی سازی را در آفریقا در زمینه‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و گسترش آگاهی از جهان را، نباید نادیده گرفت. تاکنون این امر برای کشورهای آفریقائی میسر نبوده و آنها به عنوان منطقه تحت نفوذ یک کشور استعماری محسوب شده که روسای کشورها با حمایت کشور استعمار کننده، اجازه هر نوع تعدی و تجاوز را به حقوق شهروندان خود دارا می‌شدند. اکثر کشورهای آفریقائی به دلیل عدم پویائی اقتصادی در همه زمینه‌های اجتماعی نیز دچار و رکود می‌باشند. از اینرو شاید بتوان

^۱ : روزنامه هم‌شهری ۸۲/۵/۲۱

^۲ M. Mazrui *The Power of Babel: Language and Governance in the African Experience*.

<http://www.press.uchicago.edu/cgi-bin/hfs.cgi/00/13531.ctl>

امیدوار بود که جهانی سازی در آفریقا موجب رشد آگاهی عمومی شده و به تقویت آگاهی از جهان و منطقه بیانجامد.

در این زمینه گفتنی است نقش رسانه در جهانی سازی بسیار مهم بوده و برخی از صاحب نظران رسانه ها را ابزار جهانی سازی قلمداد می کنند. «واسلاو هاول» رئیس جمهور چک در سال ۱۹۹۴ به همین موضوع اشاره و گفته است در حالیکه در گذشته جنگ مهمترین عامل دگرگونی اجتماعی بود امروزه نیروهای ایجاد کننده تغییر عمدتاً از جهانی شدن نشأت میگیرند.^۱

البته تاثیر جهانی سازی بر آفریقا در همه مناطق آن یکسان نیست. بعنوان مثال شمال و شرق آفریقا که اکثر سکنه آن مسلمان میباشند، از شرایط و امکانات متفاوتی برخوردار بوده و از نظر فرهنگی و سنتهای دینی جایگاه ویژه دارند. روشنفکران و مصلحان آن خطه ضمن اینکه علاقمند به بهره برداری از منافع اقتصادی تجاری جهانی سازی میباشند، معهداً نسبت به حفظ آئین و معتقدات خود حساس میباشند. در سمینارهایی نیز که در کشورهای عربی در خصوص جهانی سازی برگزار میگردد، این نگرانی محسوس است.^۲ البته اندیشمندان مسلمان آفریقا اکنون با توجه به اهمیت فرهنگی و اجتماعی جهانی سازی، ضمن پایبندی به اصول و ارزشهای دینی، برای حضور فعالانه در شرایط نوین جهانی و بهره گیری از فرصتها تلاش میکنند.^۳

^۱ نگاهی موشکافانه بر پدیده جهانی شدن ص، ۱۳

^۲ کنفرانس جهان عرب و جهان سازی دی ۱ اکتبر ۲۰۰۲

^۳ ALI MAZRUI LECTURE TO THE MINARET OF FREEDOM INSTITUTE'S
FIRST ANNUAL FUNDRAISING DINNER
<http://www.minaret.org/Mazrui.htm>

ابعاد جهانی سازی

به گفته رئیس بانک جهانی آقای «ولفانگ» جهانی سازی یک پدیده چند ساحتی با ابعاد مهم و گوناگون بشمار میرود که در آفریقا بر تمامی ارکان زندگی مردم در بخشهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، مذهبی و محیط زیست تاثیر گذارده است. کارکرد جهانی سازی را علاوه بر بخشهای تجاری و صدور سرمایه و فرار مغزها میتوان در تغییراتی که هر روز در زمینه‌های ارتباطاتی، رسانه‌ای و اجتماعی بوقوع می‌پیوندد، مشاهده کرد. جهانی سازی را در چهار بعد آن یعنی اقتصادی، امنیتی، سیاسی و فرهنگی باید مورد توجه قرار داد. دو بعد نخستین بشدت مورد توجه کشورهای قدرتمند بویژه آمریکا میباشد. اما دو بخش دیگر اگر بدرستی مورد بهره‌برداری قرار گیرد، میتواند برای آفریقائیه‌ها سودمند واقع گردد. از آنجا که جهانی سازی موجبات تضعیف دولت ملی و عقب نشینی دولتی را بقول «اشمیت و کیبل»^۱ فراهم می‌آورد، برخی کشورهای آفریقائی نسبت به آن نظر مثبتی ندارند.

بطور کلی دولتمردان آفریقائی علاقمندند که از قدرت و تمرکز بیشتری برخوردار بوده و از اقتدار خود در زمینه اداره کشور استفاده کنند.^۲ اما تجربیات چهار دهه استقلال نشانگر سوء استفاده آنها از قدرت و امکاناتی است که به ودیعه به آنان سپرده شده است. عموم دولتمردان آفریقائی نسبت به خواست مردم و رفاه آنها و توسعه کشور بی توجه بوده و به همین دلیل از فرایند جهانی سازی نگران می‌باشند. چه این امر موجبات کنترل اقتدار و نفوذ آنها را در کشور بهمراه دارد. با نظری به وضعیت کشورهای قاره آفریقا و رفتار دولتمردان آنها بخوبی می‌توان ناتوانی و بی مسئولیتی دولتهای آفریقائی را در رفع

^۱ : نگاهی روشکافانه بر پدیده جهانی شدن، ص ۱۵.

^۲: <http://news.bbc.co.uk/1/hi/world/africa/3257342.stm>

مشکلات و نیل جامعه به توسعه را مشاهده نمود. هنگامی که «موگابه» در ۱۹۸۱ در زیمبابوه به حکومت رسید «نیرره» رئیس جمهور تانزانیا و «سامورا ماشل» رئیس جمهور موزامبیک در دیدار با وی به او گفتند که تو گرانبهاترین جواهر آفریقا را در اختیار داری، پس از آن خوب مراقبت کن و در بهبود شرایط مردم بکوش. اما متاسفانه «موگابه» با سیاستهای غلط و ناکارآمد، زیمبابوه را به یکی از محتاج ترین کشورهای آفریقائی تبدیل کرده و با پافشاری خود بر حفظ قدرت شخصی، موجبات سقوط کشور را فراهم آورده است.

البته فرایند جهانی شدن در آفریقا از طریق سازمانهای غیر دولتی، سازمانهای بین‌المللی بویژه سازمان ملل متحد، رسانه‌ها، گسترش آموزش عالی و گروههای تبشیری و تبلیغی تا حدودی به وقوع پیوسته است. تاکید سازمان ملل بر رفع فقر و تاکید سازمان یونسکو برای محو بیسوادی تا ۲۰۱۵ نشانه‌ای از دخالت سازمانهای بین‌المللی است که به نفع مردم می‌باشد. بدون شک اینگونه قطعنامه‌ها موجب می‌گردد که مردم کشورهای قاره از بخش ناچیزی از حقوق خود برخوردار شده و بدینوسیله به حداقلی از امکانات برای شرکت در یک رقابت بین‌المللی که بدون حضور آنها جریان دارد برخوردار گردند.

مسائل فرهنگی آفریقا و جهانی سازی

آفریقا قاره ای است که بر اساس ارزشهای قبیله‌ای و سنتهای منطبق با ویژگیهای منطقه شکل گرفته و مردم آن بیش از آنکه برون‌گرا باشند درون‌گرا بوده و ارزشهای خودی را پاس می‌دارند. بهمین دلیل مشاهده میشود که در آفریقا بیش از آنکه هویت ملی مطرح باشد مردم به هویت قبیله ای پایبند و وفادار هستند. این امر مسلماً با پدیده جهانی سازی هماهنگی نداشته و رفع این معضل نیازمند آموزش می‌باشد. متاسفانه اهمیت آموزش و تاثیر آن در بهبود و توسعه، هنوز برای مسئولین کشورهای آفریقایی

مشخص نشده و آنان بدان نیاز اساسی جامعه بی‌اعتنا هستند. واقعیت اینست که رفع مشکلات آموزشی، نیاز به اراده قوی از سوی مردم و یک اقدام سیاسی و جدی از سوی دولتمردان میباید. بدون شک مدارس نقش مهمی در آگاه ساختن نوجوانان و آموزش آنان برای پذیرش مسئولیت در دنیای پر رقابت ایفا میکنند. ولی بگفته نخست وزیر زنگبار در یک سمینار آموزشی، مدارس تانزانیا نمیتوانند آموزشها و مهارت لازم را به دانش آموزان ارائه دهند.^۱

در بخش فرهنگی و اجتماعی این سؤال مطرح است که آیا جهانی سازی موجب افزایش شباهتها و یا آشکار شدن تفاوتها و احیاناً پدید آمدن ناسازگاری و مخالفت خواهد شد. البته موضوع همخوانی فرهنگی که «همیلینک و تاملسون» بدان اشاره کرده‌اند در آفریقا بیش از گذشته بوقوع خواهد پیوست. زیرا سلیقه جهانی بقول «لویت» بر تمایلات و سلیقه های محلی پیروز خواهد شد. از اینرو شیوه های زندگی سنتی در آفریقا و ارزشهای ناشی از آن، بدلیل افزایش شهرنشینی و گسترش ارتباطات بتدریج جای خود را در زندگی مردم از دست داده و از گوناگونی و تنوع فرهنگی و زبانی که اکنون در کشورهای آفریقائی مشاهده میشود کاسته خواهد شد.

بدون شک در جریان فرآیند جهانی شدن، برخی ارزشها و سنتهای قومی قبیله ای که فاقد پشتوانه فکری و منطقی می‌باشند از بین خواهند رفت. اما برخی دیگر از تنوعات فرهنگی و اجتماعی بدلیل امکان عرضه شدن در مقیاس بزرگتر و روبرو شدن با مقبولیت عمومی، جایگاه خود را حفظ کرده و از موقعیت بهتری بهره مند خواهند شد. این همان موضوعی است که موافقان نظریه جهانی سازی به آن جهانی شدن و ویژگیهای منطقه‌ای نام نهاده‌اند.^۲ در واقع جهانی سازی قدرت پذیرش عمومی را بالا میبرد. چنانکه

^۱: دیلی نیوز تانزانیا ۳ دسامبر ۲۰۰۲ ص

^۲: universalization of particularities

اکنون مشاهده میشود که غذا، لباس و آرایش آفریقائی در کشورهای غربی یافت شده و تشویق نیز میگردد. بدین ترتیب می‌توان گفت که جهانی شدن علاوه بر آنکه برتری و سلطه فرهنگی، اجتماعی سیاسی و اقتصادی کشورهای قدرتمند و بویژه آمریکا را بدنبال دارد اما میتواند بدلیل پذیرش جهانی و امکان مبادله اطلاعات و توانائیها در جهت جهانی کردن ویژگیهای قومی و همچنین مسائل فرهنگی، دینی و فکری دیگران گام بر دارد. از اینرو برخی از تحلیلگران معتقدند که جهانی شدن موجب همگن سازی اجتماعات و شماری دیگر میگویند جهانی شدن موجب ناهمگنی خواهد شد.^۱ در اینجا میتوان گفت که جهانی شدن اگر بدرستی پذیرفته شود و نفع مردم در آن باشد، نوعی تشویق اختلاطها و پذیرش اختلافها و از بین بردن وجوه تمایز میان ملتها و تمدنها بوده که در نهایت به افزایش مراودات فرهنگی منجر میگردد.

رسانه و رشد آگاهی مردم آفریقا

رسانه ها از مهمترین ابزارهایی محسوب میشوند که جهانی سازی را در آفریقا معرفی نموده و ژرفا می‌بخشند « چنگیز پهلوان » معتقد است که در آفریقا در دهه نود دو نهاد فرهنگی سهم عمده در زندگی جدید داشته است. یکی وسائل ارتباط فرهنگی و دیگری دانشگاه .^۲ رسانه ها در واقع بیشترین نقش را در جهانی سازی در آفریقا ایفا کرده‌اند. در آفریقا سینما، تلویزیون، رادیو و نشریات عمدتاً از غرب تاثیر پذیرفته و کمتر قادر به تولید داخلی میباشند.^۳

^۱ گاهی موشکافانه بر پدیده جهان شدن ص ۱۸

^۲ گفتارهایی در زمینه فرهنگ و تمدن ص ۲۴۸ سال ۱۳۷۸

^۳ «تایپوواریس» و «کارل نوردن استرنگ» دو محقق فنلاندی از جریان یکسویه اطلاعات پدیدار شدن چنین وضعیتی یاد می‌کنند. آنها از سال ۱۹۷۱. م تا سال ۱۹۷۳. م در مورد برنامه‌های تلویزیونی تولید شده در جهان تحقیق کردند و در مقاله‌ای تحت عنوان «ترافیک تلویزیون مسیری یک طرفه» بیان می‌کنند

جهانی سازی در آفریقا، در زمینه رسانه های گروهی، ارتباطات، بی توجهی به قوانین طبیعی ارزشهای سنتی، گسترش مواد مخدر، امنیت اجتماعی، افزایش سلطه بانکها با کمک کشورهای پیشرفته و سازمانهای بین المللی و علیرغم میل و صلاحدید مردم به وقوع پیوسته است. به همین دلیل میتوان گفت بسیاری از نا بسامانی های کنونی در آفریقا ناشی از تأثیرات جهانی شدنی است که نا خواسته بر آفریقا تحمیل گردیده است.

رسانه های گروهی آشکارا بر تری سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و دینی غرب را ترویج و تشویق کرده و چه بسا نا آگاهانه ارزشها و اخلاق بومی را مورد تحقیر و نکوهش قرار میدهند. حضور سالانه بیش از پنجاه میلیون جهانگرد، که اکثریت آنها را غربی ها تشکیل می دهند موجب گردیده که نقاط تفریحی و زیبای قاره بر اساس خواست و تمایل آنها شکل گرفته و فقر عمومی موجب گردیده که جوانان به منظور ارضای غرائض جهانگردان استثمار و استثمار گردند. در اکثر مناطقی که مورد علاقه جهانگردان می باشد

که جریان مسلط تولید در اختیار کشورهای غربی است که بیشترین سهم نیز متعلق به کشور آمریکا، سپس با تفاوت بسیار زیاد، کشور انگلستان، آلمان و فرانسه به ترتیب قرار دارد و خریداران عمده برنامه های تولید شده غربی نیز کشورهای در حال توسعه هستند که بنیادهای تولید بالای برنامه های تلویزیونی را دارا نیستند [۱۰].

تایپوواریس یکی از این دو محقق، ده سال بعد، یعنی ۱۹۸۳ م، نیز در مقاله ای دیگر تحت عنوان «روندهای جریان بین المللی برنامه های تلویزیونی» مجدداً این موضوع را اثبات نمود و اعلام داشت که پس از گذشت یک دهه، همچنان جریان حاکم و مسلط بر مبنای یافته های پیشین است، اما ارقام حجم تولید بسیار بالا رفته است. آنچه که در جریان این تسلط و حاکمیت تکنولوژیک و به اذعان ایشان عدم تعادل اطلاعات اتفاق می افتد، حاکمیت عناصر مسلط فرهنگ غربی است. به عبارت دیگر نظام حاکم در این کشورها (به اذعان صاحب نظران غربی و گائونگ که بیش از این در همین مطلب بدان اشاره شد) بیشترین عناصر نظام سرمایه داری است و آنچه که به مردم ارائه می شود، به قول ادگار موران جامعه شناس فرانسوی مصرف گرایی، ستاره پرستی، شهرت طلبی، زیبایی پرستی، لذت جویی و... است. [۱۱].

علاوه بر اینکه ارزشها و آداب سنتی نادیده گرفته شده، فساد، بیماری و اعتیاد نیز فزونی یافته است. در آفریقا همچنین انواع قانون شکنی را در زمینه تجارت مواد مخدر و قاچاق ذخائر معدنی و واردات اسلحه، زنان و نوجوانان واز بین بردن محیط زیست می توان مشاهده کرد که نمی تواند با امکانات داخلی قاره سنخیت و هماهنگی داشته باشد. این امر در واقع ناشی از همان فرایند جهانی سازی است که در آفریقا عمدتاً به صورت منفی رخ مینماید.

البته گسترش امکانات ارتباطاتی و اطلاعاتی موجب شده که مردم قاره آفریقا از آگاهی بیشتری بر خوردار شده و مهاجرت آنها به غرب و کشورهایی که از نظر اقتصادی شرایط بهتری دارند، افزایش یابد. یکی از ویژگیهای مثبت آفریقائیه‌ها حس همبستگی و اتحادی است که با یکدیگر دارند. آنها در هر گوشه از جهان در مقابله با دیگران از هویت و نژاد سیاه پشٹیانی میکنند. به همین دلیل مشاهده میشود آن عده از آفریقائیه‌ها که در غرب زندگی می کنند نوعی علاقه و تعهد خود را نسبت به قاره حفظ کرده و آرزوی اعتلای شرایط مردم آفریقا را دارند. آنها اگر چه رویای بازگشت به قاره را در سر نمی پروراند ولی از شرایط کنونی قاره آفریقا احساس خجلت و شرمساری دارند. از اینرو مشاهده میشود که آنان به هر شکلی از منافع قاره دفاع میکنند. در اینجا نباید نقش اطلاع رسانی و عنصر آگاهی را در این پشٹیانی از آفریقا نادیده گرفت.

عصر اطلاعات به گفته «والتر ریسون» با سرعت تمام، قدرتی را در اختیار مردم نقاط مختلف دنیا قرار می دهد که تا چند سال پیش نا ممکن بنظر می رسید. در این خصوص باید در نظر داشت که سهم کشورهای پیشرفته با بیست درصد جمعیت جهان شامل هشتاد درصد تولید رسانه‌ای و خبر است.^۱ بدون شک این نابرابری کمی موجب نابرابری کیفی شده و تبعات خود را بر جای خواهد گذارد. معهذا همین آگاهی‌ها و

^۱. <http://www.iranwomen.org/MAG/shora/10/6.htm>

اطلاعات محدود نیز، اکنون موجب افزایش خواسته‌ها و تقاضای مردم آفریقا شده و دولتمردان را به سمت تصمیمات مناسبتر و پذیرش مسئولیت بیشتر سوق میدهد. از اینرو، این پدیده را که موجب بوجود آمدن فرصتی برای بازسازی دموکراسی و به رسمیت شناختن حق مردم در آفریقا شده، میتوان امری مثبت قلمداد نمود. در این خصوص اقدام هفده کشور آفریقائی مبنی بر آمادگی داوطلبانه برای حسابرسی، شفافیت و مسئولیت پذیری را که نشانگر افزایش آگاهی مردم و دولتمردان میباشد، باید به فال نیک گرفت.^۱

از نظر رسانه‌ای میتوان گفت که رسانه‌های آفریقائی شدیداً تحت تاثیر غرب قرار گرفته و در تبلیغ جهانی سازی میکوشند. رسانه‌های آفریقائی تاثیر فراوانی از رسانه‌های غربی پذیرفته و بطور کلی می‌توان گفت که همان مطالب و اخباری را منعکس می‌نمایند که با توجه به سلیقه و فرهنگ مردم جهان توسعه یافته تهیه شده است. بدون اینکه به ویژگیهای منطقه‌ای، هویت ملی مذهبی و نیازهای مردم توجه نمایند. اکنون سازمانهای تلویزیونی کشورهای زیر خط صحرا فیلمهای نه چندان مناسب شرکتهای فیلمسازی بزرگ را نمایش داده و مردم و بویژه جوانان را با فرهنگی آشنا می‌سازند که در آن کامجویی، فرصت طلبی و فردگرایی منفی متضاد با منافع جامعه ترویج و تشویق میگردد.^۲ از اینرو بی جهت نیست که در آفریقا پیوسته بر میزان جرم و جنایت افزوده شده و نیروهای امنیتی آفریقائی و سازمانهای بین المللی پیوسته نسبت به عواقب خطرناک آن پدیده هشدار میدهند.^۳

^۱. Peer Review Moving Forward, Says Nepad Secretariat Chief
<http://allafrica.com/stories/200402200328.html>

^۲. (رجوع به مقاله تاثیر موسسه ام نت در آفریقا به همین قلم)

^۳. رجوع کنید به شبکه خبری www.allafrica.com تحت عنوان crime and corruption

جهانی سازی در رسانه ها در آفریقا فرایندی است که با در نوردیدن مرزها و مطرح نمودن مسائل و موضوعاتی که چندان در آفریقا تا کنون جایگاهی نداشته موجب شده که خواستهها و نیازهای جدیدی مطرح گردد که برخی چون مطالبات سیاسی مردم، توجه به حقوق بشر و احترام به شان انسانی آنها، فراهم آوردن امکانات مناسب آموزشی، بهداشتی و اقتصادی و از بین بردن فقر و بی عدالتی بر مبنای فطرت و آموزه های دینی بوده و جنبه مثبت داشته و توجه مردم و اندیشمندان را جلب کرده است. در همین زمینه میتوان به نقش سازمانهای زنان در ارتقاء آگاهی زنان و بوجود آوردن شرایط آزادانه تر برای آنها اشاره نمود.^۱ اما از سوی دیگر بدلیل مطرح شدن مادی گرایی، کامجوئی فردی و بی توجهی به نیازهای اساسی از سوی رسانهها، موجب شده که در آفریقا در میان جوانان بقول فردوسی نژادی پدید آید که نه از نکات مثبت تمدن غرب درس آموخته و نه به هویت دینی و ملی خود پایبندی داشته بلکه گروهی نامتناسب که ریشه در هیچ تمدن و آئینی نداشته و تنها به منافع آنی و شخصی خود می اندیشند.

البته کشورهای غربی در خصوص دموکراسی، حقوق مردم، شفافیت در امور مالی و اداری، بهبود شرایط زنان و گسترش آموزش از طریق نمایندگیهای رسمی و سازمانهای غیر دولتی وابسته به خود تبلیغ میکنند. آنها ضمن بهره برداری اقتصادی خود از فرایند جهانی سازی سعی می کنند که با این تبلیغات و حمایتها، بخشی از ذهنیت منفی مردم آفریقا را نسبت به گذشته استعمارگران از بین برده و حیثیتی جدید از غرب بوجود آورند.

اما در آفریقا روند جهانی سازی تماماً به نفع غرب و در اختیار آنها نیست و نیروهای مستقل و بویژه مسلمانان قاره دارای نظرات و آراء خود بوده و در صدد بهره برداری از فرصتها در جهت بهبود شرایط می باشند. این موضوع اگر چه مورد علاقه

^۱. <http://www.agi-usa.org/pubs/journals/2815102.html>

دولتمردان آفریقائی و کشورهای غربی نبوده، ولی آنها بیش از این نمی‌توانند از تحولات مثبت در قاره جلوگیری نمایند. مسلمانان با تمسک به کتاب خدا و احادیث پیامبر اکرم (ص) در صدد تحقق نوعی رنسانس اسلامی می‌باشند که در جای جای قاره میتوان اثراتی از آنرا مشاهده کرد.

اگر به جهانی سازی به مفهوم آزاد سازی اندیشه، سرمایه و حضور فعالتر در دهکده جهانی نگریسته شود، کشورهای آفریقائی باید سهم بیشتری را در امور مختلف درخواست کرده و از این انزوای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی خلاصی یابند. البته هم امکانات کشورهای پیشرفته و هم تمایلات نژاد پرستانه غربیها که ژوزف کنراد از آن به (مسئولیت انسان سفید پوست) یاد کرده، به آنها اجازه نمی‌دهد که دست از استیلای اقتصادی، فرهنگی، نظامی و سیاسی خود کشیده و سهم عادلانه‌تری را برای مردم آفریقا قائل گردند.

«دیوید ریف» در خصوص زئیر که یکی از کشورهای برآستی ثروتمند قاره است مینویسد: «موبوتو» و همکارانش زئیر را به یک کشور ورشکسته تبدیل کردند. تعهد آنان نسبت به حساب بانکی خود بیش از آینده کشورشان بود. آنچه تراژدی زئیر تحت سلطه «موبوتو» را، تلخ‌تر می‌سازد همانا این است که آنها با اقدامات غیر ضروری شرایط خود و کشور را نا متعادل ساختند. آن کشور توانائی آنرا داشت که توسعه یافته و سعادتمند گردد. زئیر دارای خاک مناسب و قابل کشت، ذخایر عظیم معدنی و جمعیت با استعدادی می‌باشد اما متأسفانه با همه این امکانات حتی با معیارهای آفریقائی نیز اکنون کشور فقیری محسوب می‌گردد^۱

زنان و جهانی سازی

زنان در آفریقا بطور سنتی شهروندی درجه دو محسوب شده و حضور آنان چندان محسوس نمیباشد. در سمینار سه روزه ای که در ماه فوریه در آدیس آبابا در مورد بررسی شرایط زنان آفریقا تشکیل شد یکی از سخنرانان اظهار داشت که برخی سنتهای قبیله ای و باورهای سنتی موجب تحقیر بیشتر زنان شده است. خانم «میریا متیمبه» اظهار داشت که نگرش سنتی آفریقائیهها به زنان تحقیر آمیز بوده و مردها خود را مالک آنان میدانند. از جمله اینکه مردها اعتقاد دارند که اگر زنان را تنبیه نکنند این امر به معنی دوست نداشتن زنان میباشد.^۱ در بسیاری از کشورهای آفریقائی این ضرب المثل رایج است که زنان قبیله، نژاد و تابعیت ندارند. بدین مفهوم که تابعیت، یا هویت قبیله ای آنان پس از ازدواج مشخص میگردد و تابعی از قبیله مرد می باشد.

البته سازمانهای بین المللی و بویژه اتحادیه آفریقا برای ارج نهادن به تلاشهای زنان و ارتقاء موقعیت اجتماعی سیاسی آنها تلاش بسیار نموده اند. از جمله اخیراً کمیسیون ملی اتحادیه آفریقا اعلام کرده که در بخشهای وابسته به آن سازمان باید برابری زنان و مردان رعایت شده و از دیگر سازمانها نیز درخواست نموده که به این مهم اهتمام ورزند.^۲ در این زمینه گفتنی است که مشکل بزرگ آفریقائیهها و دولتمردان آنها، علاوه بر عدم درک تحولات قاره آفریقا، بی توجهی به تاثیرات جهانی سازی و عدم حمایت از تولیدات داخلی است. در مالوای که بهترین خاک را برای کشت برنج دارد، اکنون برنج آسیائی به بهائی کمتر به فروش رسیده و زنان که بیش از هفتاد درصد امور کشاورزی را به عهده داشته بدلیل ناتوانی در امر رقابت، کار کشاورزی را به امید یافتن مشاغل دیگر رها می کنند. برخی از آنان به شهرها مهاجرت کرده و به خرید و فروش و بیله‌وری

^۱. Women Slam Bride Wealth. The Monitor (Kampala) February 17, 2004

^۲. شبکه اطلاع رسان اتحادیه آفریقا، ۲۰۰۳/۱۲/۳۰.

مشغول میشوند. از آنجا که شرایط اقتصادی در آفریقا بسیار متزلزل بوده و زنان با محرومیت بیشتری روبرو بوده، این امر موجب فرو پاشی خانواده ها شده بنحویکه اکنون چهل درصد خانواده ها زن سرپرست میباشند.

جهانی سازی در خصوص زنان، دارای پیامدهای منفی و مثبت بوده است. از یکسو سازمانهای بین المللی و سازمانهای غیر دولتی بر احقاق حقوق زنان و رفع تبعیض تاکید داشته و خواهان بهبود شرایط آنان میباشند. بهمین دلیل مشاهده میشود که همه ساله قوانین جدیدی در خصوص زنان وضع شده و حضور آنان در جامعه و در مشاغل مدیریتی افزایش می یابد. در آموزش نیز دولتهای آفریقائی موظف شده اند که نابرابری موجود در ثبت نام بین دختران و پسران را از بین برده و شرایط را برای آموزش رایگان همگان آماده سازند. این امر با تلقی آفریقائی که برای زنان جایگاهی فروتر از مردان قائل بوده اگر چه مغایرت دارد، ولی گامی برای دستیابی دختران به آموزش و بهره مندی از حقوق و امتیازات بیشتر خواهد گردید.

موضوع آموزش زنان و رفع تبعیض از آنان اگر چه رسماً مورد تائید همه دولتها می باشد، اما به دلیل فقر و تمکین از راهبردهای صندوق بین المللی پول و بانک جهانی مبنی بر قطع کمکهای دولتی، تحقق آموزش رایگان برای دولتهای آفریقائی میسر نیست و این تناقض، موجب پدید آمدن مشکلات عدیده برای زنان شده است.^۱ دولتهای آفریقائی عموماً به دلیل فقر و پیروی از قانون تعدیل ساختار اقتصادی، در جهت خود کفائی مدارس گام بر داشته و همین امر موجب گردیده آموزش بصورت امتیازی باشد که بیشتر در اختیار اقلیت متوسط به بالا قرار میگیرد و فقرا از آن محروم میشوند. همچنین به

^۱. Girls' Education a Prerequisite for Development Public Agenda (Accra)

دلیل ضعیف شدن ارزشهای سنتی، دینی و گسترش فقر، اکنون فساد در بین دختران و زنان افزایش یافته و در صد معتناهیی از زنان و دختران به بیماری ایدز دچار می‌شوند. آنها همچنین به دلیل جنگ، فقر، آوارگی و عدم پشتیبانی قوانین از آنها بیش از گذشته مورد تجاوز و تعدی قرار می‌گیرند.

تردیدی نیست که وقتی الگوی زندگی اقتصادی و سیاسی گروهی تغییر می‌کند، شیوه زندگی فرهنگی آنان نیز از آن امر تاثیر می‌پذیرد. از اینرو اگر اکنون مشاهده می‌شود که در آفریقا مردم، بیش از همه قاره‌های دیگر با معضل بیماری ایدز روبرو بوده و در همان خطه زنان بیشترین درصد را تشکیل می‌دهند این امر را نباید به فرصت طلبی اینان، بلکه باید به قوانین نامناسب، فقر و عدم آموزش زنان نسبت داده و جامعه را مسئول آن دانست. اینکه «ولفانگ»، فقر را جنگ دیگری برای آفریقا قلمداد می‌کند، بی‌دلیل نیست. زیرا فقر بسیاری از مشکلات را برای مردم خطه به‌مراه آورده است. وی در مصاحبه‌ای در واشنگتن قبل از سفر به آفریقا اظهار داشت که کشورهای فقیر بیشترین ضربه را از رکود اقتصادی متحمل شده‌اند. «ولفانگ» گفت که کمک و سرمایه‌گذاری در آفریقا کاهش یافته است. وی خواستار بهداشت، آموزش و آب سالم برای همگان گردید.^۱

تبلیغات دینی و جهانی سازی پرتال جامع علوم انسانی

اگر چه صحبت از جهانی سازی و رشد معنویت و ارزشهای اخلاقی ممکن است اغراق‌آمیز باشد، اما واقعیت اینست که در زمینه دینی نیز جهانی سازی بر آفریقا تاثیر گذارده و این وجهه از جهانی سازی از برجستگی بیشتری برخوردار بوده است. زیرا حس همبستگی دینی را بین پیروان ادیان مختلف افزایش داده و موجبات گسترش تلاشهای تبلیغی را فراهم آورده است. در واقع حضور گروه‌های تبشیری و مبلغین

۱. (وی بی سی نیوز، ۱۶ فوریه ۲۰۰۱)

اسلامی را که از دیگر نقاط جهان برای تبلیغ مواضع دینی خود به آفریقا می آیند را می توان نوعی جهانی شدن در زمینه دینی تلقی نمود. اکنون گروه‌های تبشیری در تمامی نقاط آفریقا به امر ترویج دین خود مشغول می باشند. آنها همچنین با شناختی که از موسسات اسلامی در آفریقا داشته سعی میکنند که حساسیت کمتری را در مسلمانان بوجود آورند. هنگامی که نا آرامیهای لیبریا بدلیل جنگ داخلی در سال ۲۰۰۰ بیش از حد فرونی گرفت، سیصد تن از کشیشها و راهبه‌های خارجی مقیم آن کشور به سیرالئون پناه بردند. نکرومه سالها پیش گفت: جامعه ما (آفریقا) دیگر یک جامعه سنتی محسوب نمی‌شود، بلکه تحت تاثیر مسیحیت اروپائی و اسلام قرار گرفته است. از اینرو ما به یک ایدئولوژی نوینی نیازمندیم که باورهای سنتی آفریقا را منسوخ نکند. اندیشه‌ای که ضمن ترویج مبانی دینی مسیحیت اروپائی و مبانی اسلامی تجربیات آفریقائی را نیز بر آن بیافزاید.^۱ اکنون گروه‌های تبشیری با امکانات فراوان از کشورهای غربی به اقصی نقاط قاره رخنه کرده و در جهت تبلیغ اندیشه‌های دینی خود میباشند. اما به گفته پدر «فرانسکو پیرلی» کشیشها و اسقفها بجای اینکه در صدد تبلیغ آئین مسیح براساس کتاب مقدس و تعالیم آن بزرگوار باشند، مبلغ آئین مورد نظر سازمان حمایت کننده و به ویژه واتیکان هستند.^۲ به همین دلیل به زعم وی، مسیحیت مورد تبلیغ آن سازمانها نوعی جهانی سازی را تبلیغ میکند که در آن پایبندی به سازمان تبلیغ کننده بیش از تعهد نسبت به آئین مسیحیت اهمیت دارد. در مورد تبلیغات اسلامی نیز متأسفانه همین امر را میتوان مشاهده کرد. زیرا مبلغین سعی میکنند دین اسلام را از دید کشور حمایت کننده تبلیغ کرده که برخی مشکلات را به همراه دارد.

۱. (تاریخ عمومی آفریقا، ج ۸ ص ۵۰۱)

۲. http://www.peacelink.it/africanscribe/4_issue/pl.html

مسلمانان و جهانی سازی

مسلمانان به دلیل اینکه دین خود را برترین دین و خاتم ادیان میدانند، طبیعتاً به اسلام به عنوان یک آئین جهانی نگریسته، از یکسو به پدیده جهانی شدن معتقد بوده و از سوی دیگر به دلیل ضربه ها و خسارات ناشی از جهانی سازی با آن مخالفت کرده و از آن می گریزند. این امر بدلیل شناخت اندک مسلمانان و بویژه اولیای مسلمانان در کشورهای آفریقائی میباشد. تردیدی نیست که اگر آنها از شرایط آموزشی مناسب، امکانات ارتباطی گسترده و فن آوری لازم برخوردار بودند به دلیل تنوع امکانات اقتصادی و تجاری در آفریقا می توانستند از آن پدیده بهره مند گردند. ولی از نظر فرهنگی مسلمانان تا کنون از آن پدیده زیانهای بسیار دیده و اگر همچنان بخواهند نسبت به جهانی سازی بی تفاوت باشند، دچار خسران و زیان بیشتر خواهند شد.

«کوفی انان» در پیام خود به سمینار سه روزه ای که در اکتبر ۲۰۰۲ با حضور نمایندگان عالیرتبه ۳۱ کشور اسلامی در دبی برگزار شد، اظهار داشتند که شما در اینجا جمع شده اید تا با همکاری و همفکری در جهت توسعه گام بر دارید. وی افزود شما متوجه شده اید که روابط جهانی و بین الدولی پیوسته افزایش یافته و تجارت و ارتباطات جوامع انسانی را به یکدیگر نزدیک می سازد. از اینرو برای روبروئی و بهره برداری از آن چالش عظیم شما باید آمادگی بیشتری کسب کرده و و درک وسیع تر و همه جانبه ای از شهروندی جهانی داشته و موضعگیری فعالانه تری در آن خصوص داشته باشید. وی از دولتهای اسلامی که جمعیتی حدود یک و هشت میلیارد سکنه با یک و نیم تریلیارد دلار تولید ناخالص ملی را دارند خواست که با استقبال از جهانی سازی موجبات پیشرفت و رفاه شهروندان را فراهم آورند. وی افزود همانگونه که مشکلات و موانع توسعه انسانی حد و مرزی نمیشناسد شما نیز باید با کنار گذاردن اختلافات و توسعه شاخصهای انسانی

و تاکید بر ارزشهای جهانی مانند برابری، احترام به حقوق متقابل و تاکید بر شخصیت انسانی به مبارزه با فقر و نابرابری بروید.^۱

از آنجا که طلا به داران جهانی سازی کنونی به پیروی از اندیشه «هانتینگتون و فوکویاما» نسبت به مسلمانان و هویت آنان افکاری مغرضانه دارند بنظر می‌رسد که در این زمینه مسلمانان تلاش غرب را در زمینه جهانی سازی، حرکتی برای محو یا تضعیف فرهنگ مسلمانان دانسته و نسبت به آن شکاک میباشند. در این زمینه اظهارات برخی از مبشرین و ارباب کلیسا در آفریقا بسیار هشدار دهنده و نگران کننده است. رسانه‌های غربی نیز آشکارا رفتاری مغرضانه در رابطه با مسلمانان داشته و اخبار و تحلیلهای آنان نشان از آن سیاست دارد. اما این مسائل نباید مانع از حضور فعالانه مسلمانان در برنامه‌های مشترک و عام المنفعه گردد.

آموزش جهانی سازی

آموزش جهانی سازی یا فراهم آوردن امکانات لازم برای استفاده از پدیده جهانی سازی مهمترین نیاز مردم آفریقا میباشد. در واقع بدون فراهم نمودن امکانات آموزشی نمی‌توان به بهبود شرایط زندگی مردم امید بست. این همان موضوعی است که کریستین راجر سون بدان اشاره کرده و آنرا مهم می‌شمارد.^۲

از آنجا که دولت‌ها نقش بسیاری در تحولات دارند و از سوی دیگر مردم به علت فقر و بیسوادی از بسیاری مواهب محروم میباشند، آموزش جهانی سازی و هدایت جامعه

^۱. Globalpolicy.igr.org/globaliz/cultureal/2002/1029annan.htm

^۲. Globalization or informatization? African urban economies in the 1990s Christian M. Rogerson

برای استفاده از آن نیازمند کمک و هدایت دولتی میباشد. این پدیده اگر چه چندی است که به کمک سازمانهای بین‌المللی و شرکتهای چند ملیتی در آفریقا آغاز شده و تاثیر خویش را نیز بر جای گذارده است، اما بی‌مدد امکانات دولتی و تلاش موسسات ملی آفریقائی و پدید آمدن یک عزم و اراده جدی، چندان موثر نخواهد بود. در این میان شاید بتوان گفت که مسلمانان آفریقا نیاز بیشتری به این مقوله داشته و باید آمادگی بیشتری برای بهره برداری از آن فراهم آورند. مسلمانان متأسفانه تا کنون نسبت به شرایط خود و منطقه غافل بوده و بهمین دلیل از حقوق واقعی خود بهره مند نشده‌اند. «کوفی انان» در پیامی به مسلمانها ضمن بازگویی اهمیت جهانی سازی، از آنان می‌خواهد که نسبت به این پدیده بیتفاوت نبوده و از فرصتها و امکاناتی که جهانی سازی برای آنها بوجود آورده، بهره برداری کنند.^۱

نتیجه‌گیری

جرج آیتی در کتاب خود بنام آفریقا در اغتشاش (۱۹۹۸) به همین مسائل اشاره کرده و نشان میدهد که چگونه عدم آمادگی آفریقانیها برای تطبیق با شرایط زمانه موجب پدید آمدن مشکلات عدیده برای آنان شده است. به عقیده وی اگر چه چهره‌ای که رسانه‌های گروهی از آفریقا تصویر می‌کشند چندان مناسب نیست، اما آفریقانیهائی که در خارج از قاره بسر می‌برند باید برای ارائه تصویر مناسبتری از آن خطه فعالیت بیشتری نمایند. آنها خوشبختانه از امکانات مناسبی برخوردار بوده و این کمترین کمک آنها به مردم محروم قاره آفریقا محسوب می‌شود.

سازمان ملل متحد و دیگر سازمانهای بین‌المللی نیز اکنون نقش فعال تری در امور آفریقا داشته و تا حدودی سعی میکنند که از حقوق شهر وندان آفریقائی دفاع

۱. (عرب نیوز ۲۹ اکتبر ۲۰۰۲)

کنند. نتایج اقدامات سازمان ملل و دیگر سازمانهای غیر دولتی را در تصمیمات اتحادیه آفریقا و دولتمردان، از جمله اقدام اخیر هفده رئیس جمهور آفریقائی برای پذیرش مسئولیت و حساسیتی در امور را میتوان مشاهده کرد.

دبیر کل سازمان ملل گفته است که در بیست سال گذشته ما به تجربه آموخته‌ایم که هر وقت حکومتها به حقوق اساسی شهروندان و نظم بین‌المللی تجاوز میکنند نیاز به مداخله نظامی ضروری میباشد. از اینرو در بیست سال آینده ما باید یاد بگیریم که چگونه از منازعات و اختلافها جلوگیری کرده و در مواقع لزوم مداخله نمائیم. سازمان ملل متحد به دلیل شرایط نامساعد آفریقا، بخش اعظمی از بودجه خود را در آن قاره هزینه می‌کند. بدون شک این امر یعنی تلاش برای افزایش رفاه و آموزش عمومی در راستای جهانی سازی و تطبیق شرایط آن قاره با دیگر قاره‌ها موثر خواهد بود.

اتحادیه آفریقا نیز با تلاشهای نوین خود سعی دارد که ضمن تاکید بر مردم سالاری و درخواست از دولتمردان مبنی بر پذیرش مسئولیت بیشتر در زمینه بهبود شرایط شهروندان، بدینوسیله مشارکت مردم و بخش خصوصی را در امور کشورها و قاره افزایش دهد. تاکید سران کشورهای آفریقائی در کنفرانس اتحادیه آفریقا، در خصوص تاسیس مجلس، بانک و نیروهای حافظ صلح واحد منطقه‌ای، گامی مثبت در جهت جهانی سازی و افزایش مشارکت مردم در امور می‌باشد. اتحادیه آفریقا در نظر دارد که ارتباط منطقی و مناسبی نخست بین دولتهای آفریقائی با شهروندان و سپس بین کشورهای آفریقائی و نهایتاً آفریقا با دیگر قاره‌ها پدید آورد. این امر اگر چه وظیفه‌ای دشوار ولی پربار میباشد.

- 1- Ayittey, George (1999). Africa in Chaos Macmillan USA.
- 2- Soyinka, Wole (1996). The Open Sore of a Continent. New York: Oxford Unni Press.
- 3- Achebe, Chinua (1976) All Things Fall Apart.
- 4- Saitoti, George (2002). The Challenges of Economic and Institutional Reforms in Africa. Ashgate, U.S.A
- 5- Fage, J.D. (1996). A History of Africa. Routledge, U.S.A
- 6- Mazrui, Ali (ed) (1993) General History of Africa, Africa Since 1935, Heinmann, Unesco.
- 7- Chazan Naomi (ed) (1999) Politics and Society in Contemporary Africa. Lynne Rienner pub. USA.
- 8- Albrow Martin (1996) The Global Age. hartnols, UK.
- 9- Levitzion, Nehemia (eds) (2000). The History of Islam in Africa. ohio uni press, U.S.A
- 10- Globalization (2003) The Two Faces of Globalization: Impoverishment or Prosperity Lucky O. Imade, Shaw University, International Studies Center Ugoluckvgo@aol.com

۱۱- جهانی شدن و دموکراسی (عدم دموکراسی)، خلیل‌الله سردارآبادی - مجله آفتاب - شماره ۲۴.

فروردین ۱۳۸۲

۱۲- چشم‌انداز نظم جهانی - آنتونی گیدنز، مجله آفتاب - شماره ۲۳ اسفند ۱۳۸۱

۱۳- خشونت و عدالت در یک عصر جهانی، مجله آفتاب - شماره ۲۱ - آذر ۱۳۸۱

۱۴- هشدار کوفی عنان نسبت به انقراض اقوام بومی جهان - همشهری، سه شنبه ۲۱ مرداد ۸۲

۱۵- جهانی شدن در قلمرو سیاست و فرهنگ جهانی، مجله آفتاب، شماره ۲۰، آبان ۱۳۸۱.

۱۶- آمریکا می‌خواهد جهان را به سلطه بکشد، مجله آفتاب، شماره ۱۸، تیر و مرداد ۱۳۸۱.

17- Economic Globalization and Culture a Discussion with Dr. Francis Fukuyama.

<http://www.Ml.Com/woml/forum/global.Htm>

۱۸- جهانی شدن و جنبشهای اجتماعی، مجله آفتاب، شماره ۱۶، خرداد ۱۳۸۱.

19- Catholic-Muslim Statement on Globalization Article in Zenit.

<http://www.Shc.Edu/theolibrary/global.htm>

20- Democracy, Globalization and Health: The African dilemma 1 Sunil Amrith Centre for History and Economics Health is a prerequisite for the exercise of freedom www.kings.cam.ac.uk/histecon/docs/amrith_healthafrica.pdf

21- Allen.v.j.swahili origins.Eastern African Studies.Nairobi 1993.

22- Mazrui.a.swahili State and Society.East African Educational publishers.Nairobi 1995.

23- Mbiti.j.s. African religions and philosophy. E.a.e.p.Nairobi.1969.

24- Murdock,g.d. Africa,its people and their culture.New york 1959.

25- Newell,S.women African writing zed books london.1997

26- Haynes,j. Religion and Politics in Africa e.a.e.p Nairobi 1996.

27- Okoth,g.Africa at the beginning of the 21st century.Nairobi university press 2000.

28- Hildebrandt.j.History of the Church in Africa. Africa christian press ghana 1981

29-Wasike,a,n. Mission In African Christianity. Action publishers Nairobi 2000.

30- Toase,h. The New South Africa .macmillan press 1998.

31. Salia baok, African Social Studies Programme. Evans brothers ltd. ibadan. 1990.
32. Osei-hwedie, k. Studies in Youth and Development. multimedia publications. Lusaka 1989.
- 33: knappert, j. African Mythology. diamond books. London. 1995.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی